

پدیدارشناسی زمینه‌های ارتکاب جرم در زنان

زهرا میرحسینی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۹

چکیده

مطالعه حاضر تحقیقی کیفی و پدیدارشناسانه است که با هدف شناسایی و فهم عوامل خطرآفرین و ریسک فاکتورهای موجود در زندگی زنانی صورت پذیرفته، که مرتکب جرم شده و مسیر زندگی‌شان به سوی زندان کشیده شده است. بر این اساس در این تحقیق با ۲۴ زن که سابقه محکومیت و حبس دارند، مصاحبه‌های عمیق کیفی شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، اغلب زنان مصاحبه شونده، در طول دوران زندگی خویش انواع خشونت و آزار را تجربه کرده و معمولاً در خانواده‌هایی ناکارآمد، از هم گسیخته و جرم مدار زندگی کرده‌اند که والدین و یا بستگان درجه اول آنها سابقه محکومیت و زندان داشته و یا اعتیاد به موادمخدر دارند، هرچند که برخی از مصاحبه شوندگان خود نیز معتاد بوده و هنگام ارتکاب جرم موادمخدر مصرف کرده‌اند. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، علاوه بر موارد یادشده؛ فروتری اجتماعی -

اقتصادی زنان، مناسبات شغلی، نابسامانی‌های خانوادگی و سابقه مجرمیت همسرو تبعیت از او، سبک زندگی پرمخاطره و مواردی نظیر این، از جمله عواملی است که در فراهم شدن زمینه‌های ارتکاب جرم مؤثر بوده است. با این حال با توجه به کیفی بودن تحقیق، محقق به هیچ وجه قصد تعمیم یافته‌ها را ندارد.

واژه‌های کلیدی: زنان مجرم، جرم، زندان، خانواده، پدیدارشناسی

مقدمه

مطالعه و بررسی وضعیت ارتکاب جرم در زنان و مردان، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای را در نوع و شدت جرائم ارتكابی و همچنین تعداد زندانیان مرد و زن آشکار می‌سازد که منجر شده تا زنان در بسیاری مواقع به صورت اغراق آمیزی آرام و غیرخشن توصیف شوند (Maniyar, 2004: 38) به طوری که این عامل موجب شده تا جرم شناسان اولیه متغیر جنسیت را در تحقیقات‌شان تقریباً نادیده گرفته و یا در اندک مواردی نیز که این متغیر لحاظ شده، جرائم زنان تخطی از هنجارهای «زنانه و زنانگی» تلقی شده و زنان مجرم زنانی «بد و یا دیوانه» به حساب آیند (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۲۰۷-۲۰۹). با این حال در سال‌های اخیر، با توجه به تغییرات و تحولات بوجود آمده در زندگی اجتماعی، گسترش حضور زنان در جامعه و بازار کار و عواملی نظیر این، تغییرات زیادی در نرخ ارتکاب جرم و بزهکاری زنان و همچنین تعداد زندانیان زن بوجود آمده است (Hartnagel, 1982: 477) هرچند که این تغییرات، در مقایسه با دوران گذشته و جمعیت زنان قابل ملاحظه است، ولی هنوز هم در مقایسه با مردان نرخ جرائم زنان بسیار کمتر بوده و حتی در برخی کشورها تعداد زنان زندانی، کمتر از ده درصد کل زندانیان را شامل می‌شود (سراج زاده و نوربخش، ۱۳۸۶: ۴۴). با این حال این موضوع نمی‌تواند توجیه مناسبی در بی توجهی به این مسئله باشد، چرا که جرائم زنان علاوه بر تحمیل هزینه‌های هنگفت اجتماعی- اقتصادی بر جامعه و سیستم قضایی کشور، به

علت اهمیت نقش و جایگاه زنان در جامعه و خانواده و مسئولیت خطیر آنان در امر پرورش فرزند و الگومندی آنها برای کودکان و نوجوانان، ابعاد پیچیده‌ای دارد که ممکن است در اثر بی توجهی در شناسایی و بررسی آن و در نهایت عدم پیشگیری و اقدامات مؤثر، پیامدهای جبران ناپذیری را بر بیکره جامعه باقی گذارد.

بر این اساس در این پژوهش برآنیم تا با انجام تحقیقی کیفی، زمینه‌های ارتکاب جرم در میان زنان دارای سابقه محکومیت و حبس را مطالعه و بررسی نماییم. هدف از انجام این تحقیق آن است که ابعاد پنهان و ناشناخته «مجرمیت زنان» و همچنین عوامل، شرایط و موقعیت‌های زندگی‌شان که در نهایت موجب بزهکاری و جرم در آنها شده را بنا بر روایت خودشان کشف و آشکار نماییم.

این تحقیق از آنجا حائز اهمیت است که یافته‌ها، حاصل تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با زنان سابقه داری است که خود مستقیماً تجربه زندگی مجرمانه و منتهی به حبس را از سرگذرانده و با وجود تفاوت‌های فردی و اجتماعی، همگی تجربه زیسته مشترک مجرمیت، حبس و «زندگی در زندان» را دارند که می‌تواند یافته‌های منحصر به فردی، از زمینه‌های ارتکاب جرم زنان در اختیار ما قرار دهد، که ممکن است در تحقیقات کمی کمتر قابل شناسایی و دستیابی باشد.

ملاحظات نظری و مروری بر ادبیات تحقیق

در تبیین جرائم زنان دو دسته رویکرد نظری قابل شناسایی است که اولی در سنت متعارف جامعه شناسی و جرم شناسی قابل شناسایی و تعریف بوده و معتقد است، به منظور فهم و تبیین جرائم زنان می‌توان از نظریات موجود استفاده نمود و نیاز به نظریات خاص و جداگانه‌ای برای درک جرائم زنان نیست؛ نظیر رویکردهای جامعه

پذیری (مانیاری، ۲۰۰۴؛ هگن^۱، ۱۹۸۷) و نظریه قدرت و کنترل (مک ایتناش^۲، ۱۹۷۸؛ هیدنسون و گلسترپ^۳، ۲۰۰۲).

دسته دیگر نظریات، در سنت فمینیستی تعریف می‌شوند و نظریه پردازان آن با طرح این پرسش که چگونه نظریاتی که توسط مردان و برای مردان ارائه شده، با توجه به تجربه‌های متفاوت زنان و مردان، قادر به تبیین جرائم زنان می‌باشند، مدعی شدند که برای درک و فهم علل بزهکاری زنان نیازمند نظریاتی خاص آن‌ها می‌باشیم (بلومستین^۴ و همکاران، ۱۹۸۸؛ هیمر^۵، ۱۹۹۵؛ موفیت^۶، ۱۹۹۳). دستاورد گسترش این دسته تحقیقات و نظریه پردازی در این حوزه، در نهایت منجر به درک ناشناختگی و پیچیدگی ابعاد جرائم زنان و علل مجرمیت آنان شده، که در مجموع انجام تحقیقات و پژوهش‌های اکتشافی بیشتر را در این زمینه ضروری نموده است (Simpson et al, 2008: 85).

از این رو، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و پدیدارشناسانه، به دنبال توصیف و تفسیر معنای تجربه زیسته زنان مجرم و آشکارسازی و فهم زمینه‌های ارتکاب جرم در آن‌ها می‌باشد. نکته حائز اهمیت در این پژوهش آن است که با وجود ارجاع به نظریات موجود در تمام مراحل تحقیق، بر اساس اصول روشی تحقیق کیفی، هیچ یک از این نظریات اساس کار قرار نگرفته و محقق در این پژوهش به هیچ وجه قصد نظریه آزمایی و یا فرضیه آزمایی ندارد. با این حال به منظور غنای تحقیق و دستیابی به مفاهیم حساس نظری که در مقوله بندی و مفهوم سازی و همچنین تحلیل یافته‌ها و افزایش اعتبار تحقیق دارای اهمیت است، به نظریات موجود ارجاع و استناد شده است.

-
1. Hagan
 2. Mcintosh
 3. Heidensohn&Gelsthorpe
 4. Blumstein
 5. Heimer
 6. Moffitt

علاوه بر نظریات ذکر شده، تحقیقات متعددی نیز وجود دارد که به تبیین جرائم زنان پرداخته‌اند. به عنوان مثال افرادی نظیر (اوون و بلوم^۱، ۱۹۹۵ و چسنی لیند^۲، ۱۹۹۷) در تحقیقات خود، به حاشیه راندن و عدم ادغام اجتماعی زنان که موجب از دست رفتن فرصت‌های اجتماعی، نظیر تحصیل و اشتغال در آن‌ها می‌شود را عاملی مهم در ارتکاب اعمال مجرمانه معرفی کرده‌اند و یا مک‌گی و بیکر^۳ (۲۰۰۳) به این نتیجه دست یافته‌اند، که زنان اقلیت‌های قومی و نژادی بیشتر احتمال دارد که به علت ارتکاب جرم و یا مصرف موادمخدر با سیستم‌های قضایی و کیفری درگیری پیدا نمایند. همچنین کاوینگتون^۴ (۲۰۰۲) و بلوم و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که تجربه آسیب‌های منجر به «تروما^۵»، قربانیان پدیده‌هایی نظیر؛ کتک خوردن زنان، خشونت‌ها و آزارهای خانگی و جنسی، احتمال بیشتری دارد که در مسیر ارتکاب جرم و زندان قرار گیرند.

علاوه بر این، در سال‌های اخیر محققان متعددی در داخل کشور نیز به تبیین مسئله مجرمیت زنان پرداخته و علل و عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زنان را با روش‌ها و رویکردهای مختلف جامعه‌شناختی، روانشناختی و حقوقی بررسی نموده‌اند (نظیر، احمدی، ۱۳۷۸؛ دلاور، ۱۳۸۹، شاهپوندی و همکاران، ۱۳۸۹؛ حسینی و صالحی، ۱۳۹۲، صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۳، صادقی فسایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴ و...). تفاوت اصلی پژوهش حاضر با تحقیقات نام برده در این است که؛ این پژوهش ضمن استفاده از روش تحقیقی کیفی، سعی دارد تا زمینه‌های ارتکاب جرم را با فهم و درک فضای بین‌الذهانی زنانی که در گذشته مرتکب جرم شده و در زمان مصاحبه دوران محکومیت خود را سپری کرده و اکنون خارج از زندان زندگی می‌کنند، مطالعه نماید.

-
1. Owen & Bloom
 2. Chesney-Lind
 3. McGee & Baker
 4. Covington
 5. Trauma

مبانی روشی پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی و مصاحبه‌های عمیق و پدیدارشناسانه انجام شده است. در رهیافت پدیدارشناختی تمرکز بر این موضوع است که انسان‌ها چگونه به تجربه‌های مشترک خود معنا بخشیده و آنها را به طور فردی و جمعی به آگاهی تبدیل می‌کنند. در این رهیافت، محقق به منظور گردآوری داده‌ها اقدام به مصاحبه عمیق با افرادی می‌کند که پدیده مورد نظر را به طور مستقیم تجربه کرده و دارای «تجربه زیسته^۱ مشترک» هستند (محمدپور، ۱۳۸۹، ۴۰۱). چنانچه مکس وان منن^۲ (۲۰۱۱) بیان می‌کند؛ پدیدارشناسی در صدد دستیابی به درک عمیق‌تر ماهیت یا معنای تجربه‌های روزمره ما است. هر چیزی که خود را در عرصه آگاهی نمایان می‌سازد، به طور بالقوه برای پدیدارشناسی جالب است؛ خواه چیزی واقعی باشد یا تخیلی، به طور تجربی سنجش پذیر باشد یا به صورت ذهنی حس شود (وان منن، ۲۰۱۱: ۵۲-۵۳). از این رو در تحقیق پدیدارشناختی، تجربه‌های افراد متفاوت، تعلیق و تحلیل شده و برای شناسایی ذات یا ذات‌های آن پدیده با هم مقایسه می‌شوند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۰۳) که معمولاً از طریق مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌های عمیق کیفی بدست آمده‌اند. محقق در این روش سعی دارد، توصیفی ارائه نماید که هدف آن تشریح ماهیت پدیده مورد نظر و توصیف و تفسیر آنچه مصاحبه‌شونده‌ها تجربه کرده و چگونگی و معنای تجربه زیسته آنهاست (کرسول^۳، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۲).

نحوه نمونه‌گیری و انتخاب نمونه‌ها

در این تحقیق با ۲۴ زن ۲۰ تا ۶۸ ساله که در گذشته تجربه ارتکاب جرم و محکومیت داشته‌اند، مصاحبه‌های عمیق کیفی شده است. با توجه به محدودیت‌ها و دشواری‌های

-
1. Lived Experience
 2. Van Manen, Max
 3. Creswell

دسترسی به این دسته از زنان، مصاحبه شونده‌ها از بین کسانی انتخاب شده‌اند که در مرکز گذری آسیب‌های اجتماعی بهزیستی استان تهران پرونده داشته و همگی حداقل سابقه یکبار حبس دارند و در زمان مصاحبه دوران محکومیت‌شان تمام شده و خارج از زندان به سر می‌برند. این افراد بدین علت انتخاب شده‌اند که محقق سعی داشته، تا توصیفات و چگونگی درک و فهم آنها از این تجربه با بازگشت به گذشته مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد، چرا که به نظر می‌رسد این دور شدن و فاصله گرفتن، موجب می‌شود تا مصاحبه شونده‌گان شرح زندگی خود را از زوایه حال و با بصیرت بیشتری نسبت به گذشته روایت کنند.

لازم به ذکر است، با توجه به اصول نمونه‌گیری روش تحقیق کیفی، نمونه‌ها به صورت هدفمند و از بین زنانی انتخاب شده‌اند که با توجه به موضوع این پژوهش بتوانند حداکثر اطلاعات را در اختیار محقق قرار دهند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۴)، چرا که آنچه در این جا مهم است، گویایی نمونه‌هاست، نه تعداد آن. در تحقیق کیفی نمونه‌ها بر اساس دسترسی، راحتی و توجه به اشباع نظری انتخاب می‌شوند. منظور از اشباع حالتی است که پاسخ‌های داده شده به سؤالات، دربردارنده اطلاعات جدیدی نباشند (ایمان، ۱۳۹۰: ۳۴۹). نمونه‌گیری در روش تحقیق کیفی می‌تواند هدفمند، نظری و یا ابزاری و بر اساس موضوع مورد تحقیق باشد (سیلورمن^۱، ۲۰۱۳). بر این اساس نمونه‌ها با توجه به متغیرهایی چون سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، نوع جرم و... انتخاب شده و هدف اصلی در انتخاب نمونه‌ها برخورداری از حداکثر تنوع بوده است.

هر مصاحبه با توجه به فرایند آن معمولاً بین یک تا دو ساعت به صورت حضوری و گاهی به منظور تکمیل داده‌ها به صورت تلفنی به طول انجامیده است. بعد از انجام هر مصاحبه، متن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و با توجه به هم زمانی مرحله جمع‌آوری داده و تجزیه و تحلیل آنها در تحقیقات کیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار

1. David Silverman

گرفته است. این مسئله با توجه به منعطف بودن روش تحقیق کیفی و امکان بازگشت به مراحل قبل و رفع نواقص و کاستی‌ها، می‌تواند منجر به جمع آوری داده‌های گویاتر و رفع ابهامات و نکات مبهم پژوهش شود که در مجموع اعتبار یافته‌های تحقیق را افزایش می‌دهد. قابلیت اعتبار در تحقیقات کیفی با کمی متفاوت است، بدین معنا که در تحقیقات کیفی، قابلیت اعتبار به معنای مطلوبیت بازنمایی ساختار و مفهوم پدیده‌های مورد نظر است (Lincoln&Guba, 1985: 94). به منظور افزایش اعتبار تحقیق در پایان هر مصاحبه، محقق همراه با مصاحبه شونده و به منظور تأیید صحت داده‌ها و شکل گیری فضای بین‌الذهانی و فهم تجربیات زنان، به جمع بندی آنچه در فرایند مصاحبه رد و بدل شده، پرداخته است.

روش تحلیل داده‌ها

در تحقیق کیفی مرحله تحلیل داده‌ها، مرحله‌ای مجزا و اختصاصی نیست و معمولاً فرایندهای گردآوری داده، تحلیل داده و گزارش نویسی در ارتباط متقابل با هم و اغلب به صورت هم زمان انجام می‌شود. با این حال کرسول (۲۰۰۷) معتقد است مرحله تحلیل داده در روش کیفی از یک طرح کلی که «مارپیچ تحلیل داده» نام گذاری کرده، پیروی می‌کند. در این مارپیچ، محقق از یک رویکرد خطی ثابت پیروی نکرده و درگیر فرایندهای گذر از حلقه‌های تحلیلی است، به طوری که با داده‌های متنی و یا تصویری وارد این فرایند شده و با یک گزارش و یا روایت از آن خارج می‌شود. در این فرایند ممکن است پژوهشگر چندین مرحله تفسیری و تحلیلی را پشت سر بگذارد (کرسول، ۱۳۹۴: ۱۸۵-۱۸۴). با این حال رویکرد پدیدارشناسی نیز روش‌های متنوعی در تحلیل داده دارد، که در این پژوهش از روش کولایزی^۱ (۱۹۷۸) استفاده شده، که دارای مراحل پنجگانه زیر است:

1. Colaizzi

در گام اول، محقق تجربه شخصی خود از پدیده مورد نظر را اپوخه یا کنارگذاری کرده، سپس اقدام به فهرست بندی اظهارات مهمی می‌کند که در تجربه موضوع پدیده مورد مطالعه آشکار شده است. گام بعدی دسته بندی و توصیف واحدهای اطلاعاتی بزرگ‌تر و خوشه‌های معنایی، از این اظهارات مهم است. در مراحل بعدی نیز توصیفات زمینه‌ای و ساختاری از چگونگی تجربه‌های افراد از شرایط، وضعیت‌ها و بافت‌ها و در نهایت ارائه ترکیبی از توضیحات متنی و ساختاری به منظور نشان دادن ذات فراگیر تجربه‌ها ارائه می‌شود (کرسول، ۱۳۹۴: ۸۲، موستاکاس^۱، ۱۹۹۴).

سؤالات تحقیق

این تحقیق به دنبال پاسخ به سؤالات محوری ذیل است، که سؤالات مصاحبه‌های عمیق کیفی و نیمه ساختاریافته تحقیق بر اساس آن طراحی و از مصاحبه شونده‌ها پرسیده شده است:

- زنان چه درک و فهمی از علل ارتکاب جرائم خود دارند.
- زنان پدیده مجرمیت خود را چگونه درک و معنا می‌کنند.
- از نظر زنان چه شرایط و موقعیت‌هایی در زندگی‌شان منجر به ارتکاب جرم در آنها شده است.
- زنان سابقه دار چه احساسی در مواجهه با پدیده مجرمیت خویش و تفسیر آن بیان داشته‌اند.

سیمای پاسخگویان

بررسی ویژگی‌های زمینه‌ای زنان مصاحبه شونده نشان می‌دهد؛ در بین آنها، نه نفر به علت ارتکاب جرائم مرتبط با موادمخدر؛ شامل قاچاق، حمل و نگهداری موادمخدر و

1. Moustakas

یا الکلی، هفت نفر جرائم مالی؛ شامل کلاهبرداری، جعل و چک، چهار نفر سرقت، دو نفر قتل و معاونت، دو نفر نیز جرم گسترش مراکز فساد و رابطه دستگیر شده‌اند.^۱ بررسی سن زنان مصاحبه شونده، در زمان ارتکاب جرم نشان می‌دهد، کمترین سن زمان وقوع جرم ۱۷ سال و بالاترین سن زنان ۶۱ سال^۲، همچنین در هنگام مصاحبه، کوچک‌ترین زن ۲۰ سال و بزرگ‌ترین آن‌ها ۶۸ ساله بوده است.^۳ همچنین از مجموع ۲۴ زن مصاحبه شونده، ۱۰ نفر از آنها مطلقه، سه نفر مجرد، ۴ نفر متارکه، دو نفر همسر فوت شده و تنها پنج نفر از آنها در حال حاضر متأهل بوده و با همسرانشان زندگی می‌کنند. نکته جالب توجه آن که ۸ نفر از مصاحبه شونده‌ها پیش از ارتکاب جرم، از همسر خویش جدا شده‌اند. در نهایت ۲۰ نفر از زنان مصاحبه شونده‌گان، دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم، یک نفر فوق دیپلم و سه نفر لیسانس بوده‌اند.

گزارش یافته‌ها

در این بخش نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی با زنان دارای سابقه حبس و زندان ارائه شده است. در طول مصاحبه‌ها، هر یک از زنان مصاحبه شونده، توصیفاتی از چگونگی فراهم شدن زمینه‌های ارتکاب جرم، شرایط و موقعیت‌های زندگی فردی و اجتماعی پیش از دوران حبس، نقش خود و دیگران در ارتکاب جرم، تجربه زیسته زندگی منتهی به زندان و مواردی نظیر این را روایت نموده‌اند، که می‌تواند در شناسایی عوامل جرم‌زا در زندگی آن‌ها مؤثر باشد. زمینه‌های ارتکاب جرم، بازخوردی از عوامل خطر ساز موجود در زندگی زنان مصاحبه شونده است که ارتباط زیادی با نوع جرم

۱- لازم به ذکر است، هفت نفر از مصاحبه شونده‌گان بیش از یکبار سوء سابقه داشته که گاهی با سوء سابقه پیشین آن‌ها نیز متفاوت بوده است، با این حال در اینجا جرمی که بیشترین مجازات را برای آنها به دنبال داشته، گزارش شده است.

۲- میانگین سن در زمان ارتکاب جرم برابر با ۳۶,۳۷ بوده است.

۳- میانگین سن در هنگام مصاحبه برابر با ۴۰,۶ بوده است.

ارتكابی آنان نیز دارد. هرچند كه وجود این عوامل خطر ساز در زندگی هر فردی لزوماً وی را به سوی جرم سوق نداده و ممكن است افراد بسیاری در جامعه زندگی كنند كه با وجود چنین شرایطی در زندگی‌شان، هرگز مرتكب جرم نشده باشند. با این حال بررسی و مطالعه این عوامل می‌تواند ما را در شناسایی زمینه‌های ارتكاب جرم در زنان یاری رساند. در ادامه نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های کیفی ارائه شده است. لازم به ذكر است، به منظور افزایش اعتبار یافته‌ها و کاهش شائبه تفسیرهای شخصی، در متن گزارش یافته‌ها به نقل قول‌های زنان ارجاع شده است. جدول ۱، نتیجه مقوله بندی زمینه‌های ارتكاب جرم در زنان را نشان می‌دهد.

جدول ۱- مقوله بندی زمینه‌های ارتكاب جرم در زنان

مفاهیم	مقولات جزئی	مقولات عمده	
سابقه جرمی خانواده و بستگان، همسر مجرم و سابقه دار، خشونت خانگی، طرد، تبعیض در خانواده، عدم حمایت، ازدواج‌های ناموفق و خودسرانه، کودکی و تجربه خشونت، تداوم خشونت در بزرگسالی، آزار و تجاوز جنسی	خانواده ناکارآمد، از هم گسیخته و جرم ملدار	عوامل خطرآفرین در خانواده	زمینه‌های ارتكاب جرم در زنان
	تبعیت و همراهی با همسر مجرم		
	خانواده‌های نابسامان		
	خشونت و آزار نهادینه شده		
مسئولیت تأمین هزینه فرزندان و یا والدین، فقدان شغل و درآمد، اشتغال در مشاغل سطح پایین، فقدان مهارت و تحصیلات	مسئولیت‌های خانواده و سرپرستی خانوار	فروتری اجتماعی - اقتصادی	
	مناسبات شغلی		
	ناآگاهی و عدم اطلاع از قانون		
اعتیاد و مصرف موادمخدر، بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری در تعاملات اجتماعی و زندگی روزمره، تقلید و تبعیت از مردان، همنشینی با افراد مجرم، توجیه رفتار و اعمال	مصرف موادمخدر	سبک زندگی پر مخاطره	
	زندگی پر مخاطره، ماجراجویی و ریسک‌پذیری		

۱- عوامل خطرآفرین (ریسک فاکتورهای) ارتکاب جرم در خانواده

خانواده به عنوان مهمترین کانون تربیت، رشد و جامعه پذیری، نقش مهمی در شکل گیری و درونی کردن ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و در نقطه مقابل، کنش های مجرمانه و بزهکارانه دارد. یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد که، سوءسابقه، ارتکاب جرم و مصرف مواد مخدر در خانواده، نابسامانی های خانوادگی، شیوه های فرزندپروری، خشونت و آزار دوران کودکی و مواردی نظیر این در خانواده می تواند در فراهم نمودن زمینه ارتکاب جرم در زنان مؤثر باشد.

۱-۱- خانواده های ناکارآمد، از هم گسیخته و جرم مدار

نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که، زندگی با والدین مجرم و یا معتاد و همچنین داشتن برادر یا خواهر و همین طور بستگان درجه اول سابقه دار در شکل گیری زمینه های ارتکاب جرم زنان مصاحبه شونده نقش داشته است. به طوری که هشت نفر از زنان مصاحبه شونده در خانواده هایی زندگی کرده اند که یکی از والدین و یا هر دو نفر آنها و همچنین برادر و یا خواهر آنها سابقه زندان و یا اعتیاد به موادمخدر داشته اند.

پریسا ۲۶ ساله که دوبار سابقه زندان به جرم حمل و نگهداری موادمخدر دارد، می گوید:

«... من قربانی قربانی هام، پدر و مادرم منو بدبخت کردن... از هشت

سالگی مواد دادن دستم... چشم باز کردم مواد دیدم، من با مواد بزرگ

شدم، اصلاً نمی فهمم زندگی بدون مواد چی هست...».

و یا فخری ۴۹ ساله که سابقه چهار بار دستگیری و حبس به جرم حمل و

نگهداری مشروبات الکلی و مواد مخدر دارد، درباره شرایط زندگی اش می گوید:

«... مادرم از این الکلی های زمان شاه بود. من یک ساله و نیمه بودم

که پدرم، مادرم رو طلاق داد و رفت. مادرم هم از بچگی ما رو ول کرد

رفت، شوهر کرد و مادر بزرگم منو بزرگ کرد و شوهرم داد. بعد از مرگ شوهرم، خواهر و مادرم سراغم اومدن و منو خیلی اذیت کردن. بخصوص که مادر بزرگم هم فوت کرد. اونا شیشه مصرف می‌کردن. البته من خودم هم معتاد شده بودم. شوهرم قند داشت و تریاک می‌کشید چون نمی‌تونست خودش بگیره من براش می‌گرفتم و آماده می‌کردم که خودم هم معتاد شدم... برادرم هم زندانه به جرم شرارت و دعوا تو محل، یک برادرم هم سی ساله کراک می‌کشید، آور دوز کرد و مرد.

بررسی زندگی فخری، عوامل خطر ساز زندگی وی را که شامل سابقه‌های متعدد جرم، شرارت و مصرف موادمخدر و مشروبات الکلی در میان اعضای خانواده است، به علاوه مسائلی نظیر متارکه و طلاق والدین، ازدواج مجدد، زندگی با افرادی غیر از والدین، همسر معتاد، سابقه‌های متعدد حبس و ارتکاب اعمال و کنش‌های مجرمانه را نشان می‌دهد.

۲-۱- همسران مجرم: همراهی و تبعیت

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد، عده‌ای از زنان مصاحبه شونده، با وجود داشتن والدینی هنجارمند و عاری از سابقه جرم، با همسرانی سابقه دار و یا معتاد زندگی کرده‌اند که در مجرمیت آن‌ها نقش موثری ایفا نموده‌اند که بنا بر روایت زنان، معمولاً آنها از طریق برقراری رابطه احساسی و عاطفی میان زوجین و یا اعمال فشار و زور متقاعد به همراهی شده‌اند. به طوری که در میان مصاحبه شونده‌گان ۱۰ نفر با همسران خویش هم جرم بوده و یا آنها نیز سابقه زندان رفتن داشته‌اند. ۳۱ ساله که سابقه هفت سال زندان به جرم قاچاق موادمخدر را دارد، در ارتباط با علت ارتکاب جرم و نحوه زندان افتادنش می‌گوید:

«... به خاطر شوهرم زندان افتادم، بهم گفت برام بیار تو زندان به گردن کلفت‌های زندان می‌فروشم، با پولش وکیل می‌گیرم میام بیرون،

اونوقت دیگه خلاف نمی‌کنم... ولی وقتی منو گرفتن کردن نگرفت. تو دادگاه جلوی خودم گفت خودش خواسته بیاره من که زندانم، انگاری سطل آب جوش رو سرم ریخته بودن، باورم نمی‌شد...».

تجزیه و تحلیل روایت‌های زنان مصاحبه شونده نشان می‌دهد، تمام زنانی که با همسران خویش هم جرم بوده‌اند، آن‌ها را عامل اصلی بزهکاری خود معرفی کرده و در واقع مجرمیت خویش را «تابعی» از مجرمیت همسرانشان می‌دانند. از طرفی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، بعضی زنان نیز ممکن است با سکوت خود و ماندن در شرایطی که همسر مرتکب جرم می‌شود، وی را به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه به ارتکاب جرم ترغیب و همراهی نمایند، که این همراهی در بسیاری مواقع ممکن است، آن‌ها را نیز به سوی ارتکاب جرم سوق دهد. چنانچه معصومه ۳۷ ساله که به جرم فروش مواد مخدر پنج سال در زندان بوده، می‌گوید:

... یک مدتی بود که مواد فروشی می‌کرد و من نمی‌دونستم وقتی فهمیدم خیلی ناراحت شدم و دعوا راه انداختم، ولی بهم گفت مجبورم و یکم دستم باز بشه می‌گذارم کنار، منم دیگه چیزی نگفتم. هر روز امروز و فردا می‌کرد که این کار رو ول می‌کنم. درآمدش خوب بود و اون هم چون تصادف کرده بود، کار دیگه ای از دستش بر نمی‌اومد. من هم قهر نکردم برم خونه بابام. دلم برایش می‌سوخت و از اون طرفم چهارتا بچه رو چی کار می‌کردم.

وی در شرح زندان افتادنش می‌گوید:

«... چون شوهرم نبود (زندان افتاده بود)، رفتم برای خرج خونه کار کنم. یکی از دوستای شوهرم برام مواد می‌آورد و منم به یک عده از مشتری‌ها که می‌شناختم، می‌فروختم...».

همچنین نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد، در برخی مواقع عوامل دیگری نظیر؛ ترس از طلاق، ترس از تکرار تجربه شکست گذشته و ترس از سرکوفت خانواده و بستگان به دلیل انتخاب خودسرانه و بدون شناخت همسر، با وجود مخالفت شدید والدین و در مجموع ازدواج‌های ناموفق، باعث می‌شود زنان در شرایط نامساعد زندگی‌شان باقی مانده و در نهایت مرتکب جرم شوند:

شهناز ۳۹ ساله که به جرم کلاهبرداری و چک مدت یکسال در حبس بوده در این ارتباط می‌گوید:

..... شوهرم مشروب خور بود، قرص می‌خورد و توهم داشت حتی چاقو به دستم کشید (آثار آن بر دستش قابل مشاهده بود)... ولی زندگیم برام مهم بود، چون یکبار شکست خورده بودم، دلم نمی‌خواست این دفعه هم شکست بخورم، بیکار بود، هیچی نداشتیم... ولی به خانوادم نگفتم، می‌ترسیدم، فکر می‌کردم آگه شوهرم اینطوریه تقصیر منه. نمی‌خواستم مادر و خواهرم بیان خونم، نمی‌خواستم حرفاشون رو بشنوم. چون می‌گفتن شوهرت خوب نیست و خونه خوابیده، حرفاشون رو گوش نکردم و دروغ می‌گفتم، می‌خواستم با دو تا بچه سرگردون شم. من از پدرم می‌ترسیدم، نه از خودش، بعضی وقتها از زدن بعضی حرفها آدم می‌ترسه، ترس خیلی بده.

از این رو بیش از نیمی از زنان مصاحبه شونده، شکست در زندگی و ازدواج و عدم انتخاب صحیح شریک زندگی، عامل مهمی در قرار گرفتن مسیر زندگی‌شان به زندان بوده است.

۳-۱- خانواده‌های نابسامان؛ خشونت، تبعیض و طرد

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی، روایت‌های متعددی از تجربیات زیسته زنان مصاحبه شونده را نشان می‌دهد، که حکایت از تبعیض، طرد و عدم حمایت‌های

اعضای خانواده در طول زندگی‌شان دارد که اغلب با نابسامانی‌های خانواده، تعارضات و تضاد میان والدین، طلاق و متارکه آنها و در مجموع زندگی در خانواده‌های ناآرام، خشن و پرتنش همراه بوده و بنا بر روایت‌های برخی مصاحبه شونده‌ها، خشونت و پرخاشگری به عنوان امری نهادینه و درونی شده در میان اعضای خانواده همواره وجود داشته است. چنانچه وجود کنش‌های خصمانه در بیشتر اوقات میان اعضای خانواده موجب شده تا «حمایت از اعضا» به عنوان یکی از کارکردهای اصلی خانواده به تعویق افتاده و حتی به فراموشی سپرده شود.

سوگل ۳۲ ساله می‌گوید:

«... تَن صدای خانواده ما بلندِ روحیه ما خشن، آگه چایمون یک کم دیر بشه، داد می‌زنیم. نمی‌تونیم با صدای آروم با هم صحبت کنیم همیشه هم با هم دعوا داریم... وقتی هم افتادم زندان هیچ کدوم از خواهر و برادرام پیش قدم نشدن کاری برام کنن...».

علاوه بر این، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد، زندگی در خانواده‌های نابسامان، «آسیب زا» بوده و حتی می‌تواند در سنین کودکی منجر به فرار از منزل و گرفتار شدن در دست افراد فرصت طلب شده و «آسیب مضاعفی» را در زندگی آنها بوجود آورد. چنان که سمیه ۲۰ ساله می‌گوید:

تو خونمون همش دعوا بود، وقتی کوچیک بودم بابام ما رو ول کرد و رفت، بعد از اون مامانم صیغه می‌شد من دیگه از دست رفت و آمدا و کارای دوستای مامانم و سرکوفتاش خسته شده بودم، برای همین تصمیم گرفتم فرار کنم.. اون موقع ۱۷ سالم بود، همون روز اول با یک آقایی آشنا شدم و بهش اعتماد کردم. اونم بهم گفت باهام ازدواج میکنه و گفت بیا بریم شمال. منم باهانش رفتم... ولی تو راه بهم تجاوز کرد و بعدشم پلیس منو دستگیر کرد و فرستادنم کانون.

۴-۱- خشونت و آزار نهادینه شده:

نتایج مصاحبه‌ها و روایت‌های زنان سابقه دار نشان می‌دهد که، تجربه خشونت و آزار جنسی در طول زندگی اکثر این زنان امری فراگیر و همیشگی بوده و بسیاری از آنها تجربه کنش‌ها و رفتار خشونت آمیز را از دوران کودکی تا نوجوانی به طور متناوب و گاهی مداوم داشته‌اند، که معمولاً از سوی اعضای خانواده و نزدیکان‌شان اعمال می‌شده است. چنان که نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد؛ حداقل ۱۶ نفر از زنان مصاحبه شونده سابقه خشونت و آزار جسمی و جنسی را در طول زندگی خویش تجربه کرده‌اند. در این بین چهار نفر از آنها در دوران کودکی تحت آزار و تجاوز جنسی بوده‌اند؛ یک نفر از سوی پدر که در نهایت منجر به ارتکاب قتل وی شده و ما بقی از سوی دوستان و آشنایان نزدیک که در منزل این افراد رفت و آمد داشته‌اند، صورت گرفته است.

همچنین بسیاری از این زنان روایت‌های گوناگونی از کنش‌ها و اعمال خشونت آمیز اعضای خانواده خویش در دوران کودکی و نوجوانی و حتی بزرگسالی بیان داشته‌اند. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد، تقریباً تمام زنان مصاحبه شونده طیف وسیعی از رفتارهای کلامی و غیر کلامی خشونت آمیز شامل تحقیر، توهین، ضرب و شتم و حتی تجاوز را در طول زندگی خویش بارها تجربه نموده‌اند، که دامنه چنین رفتارهایی حتی به دوران پس از خروج نیز تسری یافته است. چنان که شب‌نم ۳۷ ساله که سابقه حبس به جرم حمل و نگهداری موادمخدر دارد و خود مصرف کننده مواد بوده و در حال حاضر نیز معتاد است می‌گوید:

«توی خانواده هیچ وقت منو درک نکردن، بابام عصبی و مریضه، هیچ وقت بهم روی خوش نشون نمی‌داد، منم باهاش رابطه خوبی نداشتم... برادرم هم همینطور همیشه من و بچه هامو اذیت می‌کنه... وقت هم عصبانی میشه هیچی حالیش نیست... هر وقت برم خونه منو میزنه، حتی یک بار هم بهم چاقو زد».

در ادامه تجربه خشونت و آزار جنسی در دو دوره کودکی و بزرگسالی در میان زنان مصاحبه شونده، بررسی شده است.

۱-۴-۱- کودکی و تجربه خشونت و آزار:

تجربه خشونت در دوران کودکی، از جمله تجربیات ناخوشایند در زندگی زنان مصاحبه شونده است که در روایت‌های خویش بدان اشاره داشته و عاملین آن را پدر، مادر و یا از سوی، دوستان و اقوام و یا در برخی موارد افراد غریبه معرفی کرده‌اند. خشونت در واقع به عنوان یک عمل کلامی یا فیزیکی که باعث صدمات جسمی و روحی و آسیب می‌شود، تعریف شده که می‌تواند ناشی از سوء استفاده از قدرت و استیلاي مردانه باشد. خشونت معمولاً به صورت اعمال رفتار تحقیر آمیز و استفاده از نیروی فیزیکی و به منظور ارباب و یا سوء استفاده از فرد یا افرادی دیگر بدون توجه به نیازها و سلامت شخصی وی اعمال می‌شود.

بررسی خط سیر زندگی شیرین ۳۸ ساله که ۱۰ سال سابقه حبس و بارها سابقه اقامت در کمپ ترک اعتیاد را داشته و در حال حاضر نیز معتاد و کارتن خواب است، نشان می‌دهد که، وی در طول زندگی خویش انواع خشونت‌های جسمی و کلامی را تجربه نموده است. شیرین در روایت‌های خویش تجربه خشونت و تجاوز در دوران کودکی را شرح می‌دهد که تا دوران بزرگسالی نیز ادامه داشته است. وی در شرح ماجرای تجاوز و خشونت‌های دوران کودکی روایت می‌کند؛ در سن ۱۱ سالگی اولین بار از سوی دوستان برادرش مورد تعرض قرار گرفته و بنا بر اظهاراتش، بارها و بارها از سوی افراد فامیل به او دست درازی شده است که در غیاب پدر و مادر این اتفاق افتاده، چرا که پدر و مادر بنا به اقتضای شغلی و شرایط زندگی‌شان مجبور بوده‌اند که وی را به اقوام بسپارند. زمانی که اولین بار مادر، اظهارات شیرین را در رابطه با مسئله تجاوز به پدرش منتقل می‌کند، وی به شدت شیرین را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. شیرین در این ارتباط می‌گوید:

«...وقتی مامانم حرفای منو بهش (پدر) گفت، او مد سراغم با شیلنگ افتاد به جونم، حالا نزن کی بزن، می زدا. بعدشم موهامو از ته با ماشین ریش تراش زد و سه روز منو تو اتاق زندانی کرد. چون به یکی از دخترای فامیل گفته بودم، از ترسشون (پدر و مادر) به همه گفتن دیوونه شدم و خیال بافی می‌کنم... فکر کنم بیشتر از این که نگران من باشن، نگران آبروشون بودن...».

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، در بسیاری از مواقع، هنگامی که دختری مورد تعرض جنسی قرار می‌گیرد، ترس از بی‌آبرویی و انگشت نما شدن مانع حمایت خانواده از وی شده و حتی ممکن است از سوی اعضای خانواده و بستگان طرد شود. در برخی مواقع نیز ممکن است، زن خود «قربانی گنهکار» شناخته شود و با فرض این که در قربانی شدن و مورد تعرض قرار گرفتن خویش نقش موثری داشته، از سوی اعضای خانواده بویژه والدین تحت تنبیه و خشونت قرار گیرد، که این مسئله می‌تواند تبعات و پیامدهای جسمی و روحی بسیاری بر زندگی وی باقی‌گذارد. در نهایت این مسئله می‌تواند به عنوان تجربه‌ای ناخوشایند، تبدیل به یکی از مهمترین عوامل خطر ساز در زندگی آنان شده و زنان را به سوی اعمال بزهکارانه سوق دهد.

۲-۴-۱- تداوم خشونت و آزار در بزرگسالی:

تجربه خشونت و آزار جنسی در زنان مجرم و سابقه دار فقط به دوران کودکی و نوجوانی آنها محدود نشده و بسیاری از آنها در دوران بزرگسالی نیز همچنان تحت خشونت قرار گرفته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، آزارهای جسمی و جنسی در زنان در دوران بزرگسالی معمولاً از سوی همسران آنها اعمال می‌شود. در این بین اعتیاد به مواد مخدر ارتباط زیادی با سابقه آزار و اذیت جنسی در این زنان دارد و ممکن است بعضاً به علت وابستگی به مردان برای تهیه مواد، در شرایط خشونت آمیز نیز باقی بمانند.

مهشید ۳۷ ساله که حدود یک سال از عمرش را به جرم سرقت در زندان سپری کرده، می‌گوید:

«.. شوهرم معتاد به کراک بود، منم چون کم‌رم درد می‌کرد و اون گفته بود خوب میشم، می‌کشیدم و کم کم معتاد شدم... هر وقت که مواد بهش نمی‌رسید، میومد سراغم و منو با کمربند سیاه و کبود می‌کرد. جووری می‌زد که تا سه روز نمیتونستم از جام پاشم...».

بررسی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، همسران معتاد نقش موثری در گرایش زنان به مصرف موادمخدر داشته‌اند که معمولاً اولین مصرف نیز به منظور تسکین و کاهش درد اتفاق افتاده است. از طرفی نتیجه تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، تمام زنان مصاحبه شونده که سابقه مصرف موادمخدر و اعتیاد دارند، اغلب تجربیات ناخوشایندی از رفتار و کنش‌های خشونت آمیز همسرشان تجربه کرده‌اند که در بسیاری مواقع به علت اعتیاد و وابستگی به همسران در تأمین موادمخدر، در شرایط خشونت آمیز زندگی باقی می‌مانند، که در نهایت این مسئله منجر به زندان رفتن آنها شده است.

۲- فروتری اجتماعی-اقتصادی زنان:

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در بسیاری از مواقع شرایط و موقعیت اجتماعی و اقتصادی برخی زنان، ممکن است آنها را مستعد ارتکاب جرم نماید. از این رو عواملی نظیر فقر و عدم توانایی تأمین زندگی و شرایط نامساعد اقتصادی خانواده، زندگی در محلات و حاشیه‌های پرخطر شهری و همچنین سطح پایین تحصیلات، مهارت و تخصص خود زنان، موجب شده که بسیاری از آنها به منظور تأمین شغل و یا درآمد، حاضر به انجام هرکاری بشوند.

ناهد ۵۶ ساله که به جرم قاچاق موادمخدر مدت ۱۴ سال در زندان بوده می‌گوید:

وقتی از شوهرم طلاق گرفتم، سرپرستی بچه‌ها را خودم قبول کردم. یک مدتی خونه پدرم بودیم، خیلی برام سخت بود، هرکی یک

چیزی می‌گفت و از متلک‌ها و نگاه هاشون خسته شده بودم...رفتم یک خونه اجاره کردم و تو مطب یک دکتر، منشی شدم. ولی از پس مخارج بر نمی‌اومدم. برای همین وقتی یکی از همسایه‌ها بهم گفت یک کیف رو برای من جابه جا کن قبول کردم و اصلاً نپرسیدم توش چیه. دو ماهی این کار رو کردم که با همون کیف گرفتیم.

به نظر می‌رسد، در برخی مواقع فقدان آگاهی و اطلاعات زنان از یک سو و از سوی دیگر مسائل و مشکلات اقتصادی-اجتماعی، نظیر بیکاری و مشکلات معیشتی، آن‌ها را در چنان جایگاه و موقعیت فروتری قرار می‌دهد که اهداف مناسب و قابل دسترسی برای سودجویان، مجرمان حرفه‌ای و باندهای سازمان یافته می‌شوند.

۱-۲- مسئولیت‌های خانواده و سرپرستی خانوار:

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، یکی از موقعیت‌های پرمخاطره برای زنان، زمانی است که آنها به عللی مسئولیت و سرپرستی خانوار را برعهده گرفته و اغلب مجبور به تأمین معاش فرزندان خود می‌شوند. با توجه به این که در ایران وظیفه تأمین معاش بر عهده مردان است، برای زنانی که پیشتر در حمایت مردان خانواده زندگی کرده‌اند، فقدان آنها و پذیرش سرپرستی خانواده، با وجود تأمین منابع مالی، می‌تواند به عنوان امری پرمخاطره تلقی شود.

سکینه ۵۴ ساله، دیپلمه و دارای دو فرزند، که به جرم مالی حدود یک سال در زندان بوده می‌گوید:

از وقتی شوهرم تصادف کرد و گوشه خونه افتاد، زندگی ما زیر و رو شد. شوهرم راننده کامیون بود، ماشینش داغون شده بود و کلی خسارت هم گردنش افتاده بود. تازه کلی هم پول دوا و دکتر برایش می‌دادیم. منم اوایل تو خونه سبزی پاک می‌کردم و می‌فروختم ولی خوب این کفاف خرج و بدهی‌های ما رو نمی‌داد. برای همین مجبور

شدم از پیرزن محله مون پول نزول کنم که هی روش اومد و بدهی من زیاد شد و یک شب دیدم با مأمور اومده دم خونمون و حکم جلبم رو داره.

۲-۲- مناسبات شغلی و جرم:

مطالعه یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، برخی مشاغل برای زنان ممکن است شرایطی را ایجاد نماید که آنها را بیش از دیگران، در موقعیت‌های پرخطر و جرم‌زا قرار دهد. شمسی ۵۳ ساله، دارای سه فرزند که سابقه دو سال حبس به جرم تشکیل خانه فساد دارد، در این رابطه می‌گوید:

شوهرم چند سالی بود که ما رو ول کرده بود و رفته بود و منم برای خرجی بچه‌ها خونه مردم کار می‌کردم... چند ماهی به طور ثابت خونه یک خانوم کار می‌کردم که می‌گفت آرایشگاه داره. رفتارش با من خوب بود و خیلی هوامو داشت و منم رو کمکاش حساب می‌کردم... یک روز بهم گفت می‌خواد آرایشگاه جدید بزنه ولی چون مالیاتش زیاد میشه، می‌خواد به اسم یک نفر دیگه باشه. اون از من خواست اجاره نامه آرایشگاه به اسم من باشه، منم بی‌خبر از همه جا قبول کردم... باورکن هیچ وقت پام رو اونجا نگذاشته بودم، تا وقتی هم که پلیس دستگیرم نکرده بود از هیچی خبر نداشتم.

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های کیفی نشان می‌دهد، نوع جرم ارتكابی می‌تواند با وضعیت اشتغال زنان مصاحبه شونده نیز مرتبط باشد. چنان که دو نفر از مصاحبه شونده‌ها که پیش از ارتكاب جرم به شغل نگهداری از سالمند اشتغال داشته‌اند، به جرم سرقت از منزل همان فرد به زندان افتاده‌اند. از طرفی اشتغال برخی زنان در مشاغلی که منزلت اجتماعی نسبتاً پایین‌تری دارد، نظیر منشی‌گری در شرکت‌های خصوصی، نظافتچی و آرایشگری ممکن است، در فراهم نمودن زمینه ارتكاب جرم مؤثر باشد.

۲-۳- ناآگاهی و عدم اطلاع از قانون:

مطالعه تجربه زیسته زنان مصاحبه شونده نشان می‌دهد، در بسیاری مواقع ناآگاهی از قوانین و نقص در اطلاعات حقوقی و اجتماعی، می‌تواند زمینه ارتکاب جرم در برخی زنان، بویژه زنان با سطح تحصیلات پایین را فراهم نماید. مینژه ۶۳ ساله، دارای چهار فرزند که به جرم چک بلامحل حدود نه ماه زندان بوده می‌گوید:

«تا قبل از این که زندان بیفتم هیچ اطلاعی راجع به چک نداشتم و نمی‌دونستم نباید الکی چک کشید و ضمانت کسی رو کرد... دوست سی سالم از اعتماد من سوء استفاده کرد و منم چون براش چک کشیده بودم و ضمانتش رو کرده بودم زندان افتادم. منی که هیچ وقت پام به کلانتری باز نشده بود...».

۳- سبک زندگی پر مخاطره^۱:

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، سبک زندگی برخی از زنان ممکن است آنها را مستعد ارتکاب جرم نماید. بر این اساس ماجراجویی، ریسک پذیری و بی‌مبالاتی در زندگی و انتخاب شیوه‌های پر مخاطره نظیر مصرف موادمخدر و الکل از جمله عوامل زمینه ساز در ارتکاب جرم می‌باشد.

۳-۱- مصرف موادمخدر و ارتکاب جرم:

نه نفر از زنان مصاحبه شونده، در طول مصاحبه شرحی از سابقه مصرف مواد مخدر و اعتیادشان پیش از زندان را بیان نموده‌اند که بیشتر این افراد نیز به علت حمل و نگهداری موادمخدر به زندان افتاده‌اند. ساناز ۳۵ ساله که سابقه سه سال حبس به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر دارد، می‌گوید:

۱- ریسکی

«اکثر شب‌ها با شوهرم می‌رفتیم دنبال مواد، شیشه مصرف می‌کردیم، یک شب موقع برگشتن، گشت‌های شب بهمون شک کردن و ماشینمون رو نگه داشتن، همه مواد تو کیف من بود و ما رو گرفتن...».

از طرفی برخی از مصاحبه‌شونده‌ها، علاوه بر اعتیاد و قاچاق موادمخدر، سابقه سرقت نیز داشته‌اند که بیشتر برای بدست آوردن پول برای خرید موادمخدر اتفاق افتاده است. چنانچه ساناز روایت می‌کند؛ «در سال‌های اول مصرف موادمخدر، در شرکتی خصوصی مشغول به کار بوده، که به علت نیاز به پول برای خرید مواد مرتکب سرقت می‌شود که پیامد آن اخراج و یک سال حبس کیفری برایش بوده است».

۲-۳- زندگی پرمخاطره، ماجراجویی، ریسک‌پذیری:

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی و مطالعه تجربه زیسته زنان سابقه دار نشان می‌دهد که، ماجراجویی، ریسک‌پذیری و برگزیدن شیوه‌های پرمخاطره در زندگی برخی از زنان، در کشیده شدن آنها به سوی جرم تأثیرگذار بوده است. به عنوان نمونه پروین ۴۷ ساله که سابقه چهار بار حبس و نیز سابقه ۸۰ ضربه شلاق به علت مصرف مشروبات الکلی دارد، می‌گوید:

..... قبل از این که زندان برم، با یکی ۵ سال صیغه بودم که پسر بود.

من همه جور آزادی رو داشتم.... مواد می‌کشیدم، مواد مغز آدم رو از کار میندازه، کارهایی می‌کردم!! مثلاً ساعت یک، یا یک ونیم شب می‌رفتم بیرون، مواد می‌گرفتم و خیلی راحت تو ماشین می‌گذاشتم و می‌کشیدم و نزدیک‌های صبح می‌وادم خونه و این شده بود زندگی من. واسه مواد هر کاری می‌کردم و به هرکی رو می‌انداختم و زنگ می‌زدم.

مطالعه تجربه زیسته زنان مصاحبه‌شونده، روایت‌های متعددی از بی‌مبالاتی و عدم توجه به اعمالی که می‌تواند پیامدهای منفی زیادی در زندگی داشته باشد، را

حکایت می‌کند. از جمله این اقدامات، ازدواج‌های موقت با افرادی است که معمولاً شناختی از آنها نداشته‌اند. شهناز ۵۲ ساله که به اتهام قاچاق موادمخدر حدود ۱۲ سال زندان بوده، می‌گوید:

«... مدت شش سال ازدواج موقت داشتم، شوهر صیغه‌ایم و برادرش معتاد بودن که برادرش هم با ما زندگی می‌کرد... تو یک سفر که با اتوبوس از ایرانشهر برمی‌گشتیم تو کیفم موادمخدر کرده بودن... بعد از این که منو گرفتن دیگه ندیدمشون...»

یافته‌ها نشان می‌دهد علاوه بر ریسک‌پذیری، «تنفر از جنسیت» و نارضایتی از آن می‌تواند در ارتکاب جرم مؤثر باشد. به نظر می‌رسد، این عامل نقش مهمی در تقلید و تبعیت برخی زنان از کنش‌ها و رفتارهای متداول مردانه دارد و در بسیاری مواقع آنان را مجبور می‌کند، برای اثبات توانایی‌های خود دست به اعمالی بزنند که در بین الاذهان کنشگران اجتماعی و سطح جامعه، مردانه تلقی می‌شود. نظیر ارتکاب جرم و رفتن به حبس که از نظر عده زیادی از افراد جامعه عملی مردانه است (صادقی و میرحسینی، ۱۳۹۳: ۳۳؛ وایت و هینز، ۱۳۸۳).

شیرین که سابقه سرقت مسلحانه و معاونت در قتل و همچنین مصرف موادمخدر و اعتیاد دارد، در این رابطه می‌گوید:

«خوبی زندگی من این که همه چی رو تو زندگی خودم امتحان کردم مثلاً هر جور موادی که بگی زدم، هروئین، شیشه، کراک، ... همه چی... به هر حال اینم یه جور زندگی که من داشتم... همیشه دوست داشتم مثل مردا باشم. از این که زنم بدم می‌ومدم. هیچ وقت دوست زن نداشتم و همیشه با مردا بودم و لباسای مردونه می‌پوشیدم... هوشم صد درصد بالاتر از بقیه آدم‌هاست. توی زندان ازم تست هوش گرفتن... من اصلاً هیچ وقت ترس رو نفهمیدم، نمی‌فهمیدم چیه؟... بار اولی که زندان افتادم بعد از این که اوادم بیرون، رفتم پاساژ علاءالدین تو یک

موبایل فروشی کار کردم و چون جای خواب نداشتم و دوست نداشتم
پیش خونوادم برگردم با یک همکار آقا هم خانه شدم و بعد از یک
مدتی باهاش رابطه پیدا کردم و عقدم کرد».

در مجموع یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، گاهی توجیه جرم و اعمال ارتكابی در
انحای مختلف، اعتماد به نفس کاذب و تنفر از هویت زنانه در ارتكاب جرم مؤثر است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال شناسایی و فهم زمینه‌های ارتكاب جرم بنا بر روایت‌های زنان
سابقه دار و مطالعه تجربه زیسته آنها بوده و بدین منظور از روش کیفی و پدیدارشناسانه
استفاده نموده است. بر این اساس با ۲۴ زن ۲۰ تا ۶۸ ساله که همگی تجربه زیسته
مشترک محکومیت و حبس دارند، مصاحبه‌های عمیق کیفی صورت پذیرفته است.
یافته‌های این تحقیق که در مجموع از خلال تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های کیفی و
روایت‌ها و توصیفات زنان مصاحبه شونده بدست آمده، زمینه‌های ارتكاب جرم در آنها
را در سه دسته عوامل خطرآفرین ارتكاب جرم در «خانواده»، «فروتوری اجتماعی-
اقتصادی» و «سبک زندگی پرمخاطره» زنان، شناسایی و دسته‌بندی نموده است. در
شناسایی عوامل خطرآفرین ارتكاب جرم در خانواده و تفسیر نقش آن، تجزیه و تحلیل
روایت‌های زنان آشکار می‌سازد که، «خانواده‌های ناکارآمد، از هم گسیخته و جرم
مدار»، بویژه «والدین بزهکار» نقش مهمی در فراهم نمودن زمینه‌های ارتكاب جرم در
زنان ایفا می‌نمایند. چنانچه نتایج تحقیقات اوبرین^۱ (۲۰۰۱) و میلر^۲ (۱۹۸۶) نشان
می‌دهد، بسیاری از زنان مجرم، خود در خانواده‌های قانون شکن بزرگ شده‌اند و این
احتمال که در خانواده زنان زندانی حداقل یک عضو با سابقه حبس وجود داشته باشد،
در مقایسه با مردان بیشتر است (Bloom et al, 2003: 6).

1. O'Brien
2. Miller

با این حال به نظر می‌رسد، علاوه بر خانواده‌های ناکارآمد و از هم گسیخته، خانواده‌های نابسامان و آشفته نیز بالقوه آستان آسیب‌ها و مخاطرات فراوانی برای اعضای خویش می‌باشند و ممکن است فضایی پر از تنش، طرد و خشونت را برای آنها بوجود آورند که یکی از پیامدهای آن بروز کنش‌های مجرمانه است. چنانچه بنا بر نتایج این تحقیق، زنان مصاحبه شونده تجربه‌های متعددی از خشونت و اثرات روانی آن، نظیر از دست دادن اعتماد به نفس، افسردگی، بیماری و اختلالات روانی، احساس بی‌قدرتی، واکنش‌های عصبی در مقابل تهدیدها و مواردی نظیر این که بارها در طول زندگی در این خانواده‌ها داشته‌اند را روایت می‌کنند. از این رو خشونت در این خانواده‌ها امری فراگیر و شدید است که معمولاً زنان از دوران کودکی و به طور مداوم آن را تجربه کرده و در آنها نهادینه شده است. نتایج برخی تحقیقات در کشورهای غربی (نظیر؛ براون^۱ و همکاران، ۱۹۹۹؛ کاوینگتون، ۲۰۰۲؛ بلوم، چسنی-لیند و اوون، ۱۹۹۴) نیز نشان می‌دهد تجربه خشونت و آزار جنسی در زندگی بسیاری از زنان زندانی در مقایسه با مردان وجود داشته و خشونت یکی از عوامل خطر ساز در زندگی این آنها، بویژه در دوران کودکی بوده است. به طوری که احتمال سوء استفاده در دوران کودکی در زنان سابقه دار سه بار بیشتر از مردان گزارش شده است (سوارتز و همکاران، ۱۳۹۲: ۶). با این حال یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که، تجربه خشونت در زندگی زنانی که سابقه جرائم مالی نظیر کلاهبرداری، صدور چک بلامحل، فروش مال غیر و سایر جرائم مالی نظیر این را دارند در مقایسه با مرتکبان جرایمی نظیر حمل و نگهداری مواد، سرقت و دزدی، رابطه نامشروع و جرائم اخلاقی و...، به مراتب کمتر است. به نظر می‌رسد؛ این مسئله نیز جزء یافته‌های این تحقیق است که می‌تواند منجر به تولید فرضیاتی برای انجام سایر تحقیقات در این حوزه شود که امکان بررسی آن در این پژوهش فراهم نمی‌باشد.

1. Browne

در مجموع یافته‌های این پژوهش در ارتباط با زمینه‌های ارتکاب جرم در خانواده به این نتیجه دست یافته است که، زندگی در خانواده‌های نابسامان، طلاق و اختلافات خانوادگی والدین، اعتیاد و سابقه جرمی اعضای خانواده، بی بندوباری و عدم مسئولیت پذیری والدین در قبال فرزندان، خشونت‌های خانوادگی در دوران کودکی و بزرگسالی در کنار تحقیر، سرزنش و سرکوفت، ازدواج‌های نامناسب، اعتیاد و مجرمیت همسر و عواملی نظیر این در فراهم نمودن زمینه‌های ارتکاب جرم و بزهکاری زنان مؤثر است. چنان که یافته‌های بسیاری از تحقیقات انجام شده (اوون و بلوم، ۱۹۹۵ و چسنی لیند، ۱۹۹۷) در حوزه جرائم زنان نیز این یافته‌های تحقیق را تأیید می‌نمایند.

همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که، علاوه بر والدین و بستگان زن، همسر نیز نقش مؤثری در بزهکاری وی دارد، به طوری که در این تحقیق در حدود ده نفر از زنان مصاحبه شونده با همسران خویش هم جرم بوده‌اند. نتیجه بررسی تحقیقات متعدد در این حوزه نیز نشان می‌دهد که؛ در بسیاری از مواقع همسر و یا شریک احساسی زن، در وادار کردن، متقاعد نمودن و یا همراه کردن آنها در ارتکاب جرم نقش مؤثری دارد، بویژه در استعمال و خرید و فروش موادمخدر (بلوم و همکاران، ۲۰۰۳، اوبرین، ۲۰۰۱؛ جونس^۱، ۲۰۰۸). با این حال در توضیح علت عدم خروج زنان از این شرایط، روایت‌های زنان نشان می‌دهد که، در بسیاری از مواقع ممکن است ترس زنان از طلاق و پیامدهای آن، در کنار فقدان قدرت تصمیم‌گیری، عدم کنترل و تسلط بر اوضاع و فهم موقعیت آسیب‌زای زندگی و در مجموع ناتوانی خروج از این شرایط، موجب می‌شود تا زنان آسیب‌مضاعفی را در زندگی خانوادگی تجربه نموده و در نهایت مسیر زندگی‌شان به سوی زندان کشیده شود. با این حال ضمن تأکید بر نقش خانواده و اطرافیان، به نظر می‌رسد که، سبک زندگی خود زنان از جمله سابقه مصرف موادمخدر و اعتیاد آنها در کنار بی‌مبالاتی در انتخاب شریک زندگی و عدم پایبندی به عرف و هنجارهای رسمی و غیررسمی و ماجراجویی و در مجموع برگزیدن شیوه «زندگی

1. Jones

پرمخاطره»، می‌تواند از جمله عوامل خطر ساز در زندگی زنان محسوب شود. بررسی تحقیقات انجام شده در سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که، اعتیاد و مصرف موادمخدر در ارتکاب جرم زنان نقش موثری دارد (اوبرین، ۲۰۰۷؛ بلوم و همکاران؛ ۲۰۰۳).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که، فروتری اجتماعی و اقتصادی، یکی دیگر از عوامل زمینه ساز ارتکاب جرم در زنان است، به طوری که بیشتر مصاحبه شونده‌ها در این تحقیق دارای سطح پایین تحصیلات، مهارت و تخصص بوده و ۲۰ نفر از آنها تحصیلات دیپلم و کمتر داشته‌اند. نتایج تحقیقات بلوم و همکاران (۲۰۰۳) نیز مؤید این یافته است. همچنین بررسی وضعیت اشتغال و مناسبات شغلی مصاحبه شوندگان پیش از ارتکاب جرم نشان می‌دهد که، این زنان اغلب در مشاغل نظیر کار در شرکت‌های خصوصی، فروشندگی، نگهداری از سالمند، آرایشگری، کارگری و نظافتچی اشتغال داشته‌اند. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، اشتغال افراد در بعضی مشاغل نظیر کار در شرکت‌های خصوصی فاقد نظارت، نگهداری از سالمند، آرایشگری و مشاغل نظیر این که دارای منزلت اجتماعی و جایگاه پایین‌تری در جامعه هستند، می‌تواند فی نفسه در فراهم نمودن بسترهای ارتکاب جرم مؤثر باشد. علاوه بر این فقدان مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، در کنار سطح تحصیلات پایین این زنان، در دستیابی آنها به شغل مناسب و همچنین برخورداری از فرصت‌های مشروع اشتغال مؤثر بوده است. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نشان می‌دهد که؛ تقریباً تمام زنانی که مرتکب جرائم مرتبط با قاچاق و حمل موادمخدر بودند، تحصیلات زیر دیپلم داشته‌اند. از طرفی برخلاف این تصور ذهنی که ممکن است زنان تحصیلکرده بیشتر از سایر زنان مرتکب جرائم مالی شوند (صادقی و میرحسینی، ۱۳۹۳: ۳۰)، در بین زنان مجرم مالی افرادی با سطح سواد پایین قرار داشتند که علت ارتکاب جرم خود را پایین بودن سطح سواد، عدم آگاهی به قانون و ناآگاهی از قوانین چک و ضمانت ابراز می‌داشتند. بر این اساس می‌توان گفت که تحصیلات پایین، یکی از عوامل خطر ساز است که می‌تواند در فراهم نمودن زمینه ارتکاب جرم زنان مؤثر

باشد. چنانچه بررسی ادبیات تحقیق نیز نشان می‌دهد که؛ طیف وسیعی از مجرمان زن را افرادی تشکیل می‌دهند که دارای سطح پایینی از سواد و مهارت‌های تخصصی هستند (بلوم و همکاران، ۲۰۰۳؛ اوون و بلوم، ۱۹۹۵؛ اوون، ۱۹۹۸؛ چسنی لیند، ۱۹۹۷؛ بلوم، ۱۹۹۶). علاوه بر این، مسئولیت‌های خانوار و سرپرستی نیز در اینجا قابل بررسی است که معمولاً بعد از طلاق به زنان واگذار می‌شود. بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه شونده‌گان نشان می‌دهد که، هشت نفر از مصاحبه شونده‌گان تا قبل از ارتکاب جرم، از همسرانشان طلاق گرفته‌اند. در اینجا طلاق صرفاً نه به معنای جدایی از همسر، بلکه به عنوان عاملی در قطع و یا از دست دادن شبکه‌های حمایتی و انتقال مسئولیت‌های سرپرستی خانواده به زنان، می‌تواند نقش مهمی در فراهم شدن زمینه‌های ارتکاب جرم داشته باشد.

در نهایت جمع‌بندی یافته‌های تحقیق از عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زنان نشان می‌دهد که، خانواده‌های نابسامان، بی‌سرپرستی و یا بد سرپرستی، عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب، تجربه خشونت و تعرض علیه زنان، عدم دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و حمایتی، عدم برخورداری از حمایت‌های قانونی و ضعف قوانین حمایتی از گروه‌های آسیب پذیر، خشونت مردانه در قالب تسلط و استیلاي پدران، برادران، همسران و نزدیکان مرد، چگونه زنان را در موضع ضعف، نابرابری و بی‌قدرتی قرار می‌دهد و در بسیاری از مواقع زنان در مقام و نقش تبعی مردان نزدیک خویش و یا به عنوان واکنشی به شرایط موجود، به زندگی جرمی قدم می‌گذارند. آنچه در کجروی زنان بیش از هر چیز دیگر جلوه گر می‌شود و نمود پیدا می‌کند این است که جرم و انحراف در میان زنان بیش از آن که برآمده از یک تصمیم‌گیری شخصی باشد، همان‌طور که دیوید ماتزا (۱۹۶۴) می‌گوید، یکجور کشیده شدن است. به عبارتی اجبارهایی که ناشی از بسترها و زمینه‌های اجتماعی زندگی آنهاست، زنان را به راه‌های غیر متعارف سوق می‌دهد.

از این رو به نظر می‌رسد، مددکاری اجتماعی و خدمات ارائه شده از سوی آن می‌تواند نقش موثری در پیشگیری از جرم و کاهش عوامل جرم‌زا و خطرآفرین، بویژه در ارتباط با خانواده‌های آسیب دیده اجتماعی، نظیر خانواده‌های بدسرپرست و بی سرپرست، نابسامان و آشفته که معمولاً با والدین معتاد و یا دارای سابقه‌های جرمی زندگی می‌کنند، ایفا نماید و این امر می‌تواند در قالب خدمات مددکاری فردی و مشاوره‌های فردی و مددکاری اجتماعی کار با گروه و مصاحبه‌های گروهی برای اعضای این خانواده‌ها ارائه گردد. علاوه بر این، مددکاری اجتماعی با طراحی و اجرای خدمات «جنسیت محور» در قالب برنامه‌های خدمات مددکاری جامعه‌ای و اجتماع محور، ویژه زنان دارای سابقه زندان و اعتیاد، می‌تواند زمینه‌های بازگشت موفقیت آمیز آنها به جامعه و همچنین پیشگیری از «تکرار جرم» و «ارتکاب جرائم ثانویه» و در نهایت وقوع «آسیب پذیری مضاعف» را برای آنها فراهم نماید.

منابع

- آبوت، پاملا؛ کلر والاس. (۱۳۸۵)، «جامعه‌شناسی زنان»، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- احمدی، امیدعلی، (۱۳۷۸)، مطالعه ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و چگونگی تغییرات زنان مجرم طی یک دوره ده ساله (۱۳۶۷-۳۷۷) و زنان زندانی شهر کرمان: استانداری کرمان، کمیسیون امور بانوان.
- ایمان، محمدتقی، (۱۳۹۰)، *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
- دلاور، علی؛ گلزار، محمود؛ شجاعی، عباس. (۱۳۸۹)، «بررسی ویژگی‌های شخصیتی زنان مجرم». *فصلنامه زن و جامعه*. ۳(۱).

- حسینی، سید احمد؛ صالحی، فرزانه. (۱۳۹۲)، عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب جرم زنان زندانی زنجان. *دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، (۱).

- سراج زاده، سیدحسین؛ نوربخش، افروز. (۱۳۸۶)، تحول جرائم زنان در دو دهه اخیر (۱۳۶۰-۱۳۸۰). *فصلنامه مطالعات اجتماعی*، (۸۹).

- سوارتز، جیمز آ؛ پاتریشیا اوبرین؛ آرتورجی. لوریجیو. (۱۳۹۲)، «موادمخدر، زنان و عدالت کیفری، نقش نظام عدالت کیفری در ارتباط با زنان معتاد به موادمخدر». ترجمه: معصومه حسن چوکامی و علی اصغر اسماعیل زاده. ویراستار علمی دکتر سهیلا کوشا. تهران: ستاد مبارزه با موادمخدر دفتر تحقیقات و آموزش.

- شاهپوندی، احمد؛ ریسی وانانی، رضا؛ سلطانی، مرضیه. (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب نوع جرم زنان در شهر اصفهان»، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*. ۱(۳).

- صادقی فسایی، سهیلا؛ میرحسینی، زهرا. (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه شناختی درک و تصور کنشگران اجتماعی از جرائم زنان». *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۵(۲).

- صادقی فسایی، سهیلا؛ ابراهیمی، مرضیه. (۱۳۹۴)، «تحلیل کیفی جرائم خشن زنان؛ زمینه‌ها و انگیزه‌ها»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۳، شماره ۲.

- کرسول، جان. (۱۳۹۴)، «پویش کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم نگاری و مطالعه موردی»، ترجمه: حسین دانایی فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار، چاپ دوم.

- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹)، «روش در روش درباره ساخت معرفت در علوم انسانی». تهران: انتشارات جامعه شناسان، چاپ سوم.

- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰)، «روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱، منطق و طرح در روش شناسی کیفی». تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- وایت، راب؛ فیونا هینز. (۱۳۸۳)، *جرم و جرم شناسی*. ترجمه علی سلیمی و دیگران. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- Bloom, B., Owen, B., & Covington, S. (2004). Women offenders and the gendered effects of public policy. *Review of policy research*, 21(1), 31-48.
- Bloom, B., Owen, B. & Covington, S. (2003). *Gender-responsive strategies: research, practice and guiding principles for women offenders*. (NIV publication No. 018017). Washington D.C: national institute of corrections.
- Blumstein, A., Cohen, J., & Farrington, D. P. (1988). *Criminal career research: Its value for criminology*. *Criminology*, 26(1), 1-35.
- Browne, A., Miller, B., & Maguin, E. (1999). Prevalence and severity of lifetime physical and sexual victimization among incarcerated women. *International journal of law and psychiatry*, 22(3), 301-322.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
- Chesney-Lind, M. (1997). *The female offender: Girls, women and crime*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Covington, S. (2002). *Helping women recover: Creating gender-responsive treatment*. The handbook of addiction treatment for women: Theory and practice, 52-72.
- Hartnagel, T. F. (1982). Modernization, female social roles, and female crime: A cross-national investigation. *The Sociological Quarterly*, 23(4), 477-490.

- Heimer, K. (1995). *Gender, race, and pathways to delinquency: An interactionist analysis*. In J
- Hagan, J. (1987). *Modern Criminology: Crime, Criminal Behavior and Its Control*. New York: McGraw-Hill, Inc.
- Jones, S. (2008). Partners in crime: A study of the relationship between female offenders and their co-defendants. *Criminology & Criminal Justice*, 8(2), 147-164.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry* (Vol. 75). Sage.
- Maniyar, M. (2004). *Women Criminals and their Life-Style*. Kaveri Books.
- McIntosh, M. (1978). *The state and the oppression of women*. Feminism and materialism, 255.
- Matza, D. (1964). *Delinquency and Drift* New York. John Wiley. and G. SYKES (1961) " Juvenile delinquency and subterranean values." *American Sociological Review*, 26, 715-719.
- Miller, J. B. (1986). *What do we mean by relationships?* Work in progress No. 22.
- Wellesley, MA: Stone Center.
- McGee, Z. T., & Baker, S. R. (2003). *Crime control policy and inequality among female offenders: Racial disparities in treatment among women on probation*. It's a crime: Women and justice, 196-208.
- Moffitt, T.E. (1993). *The neuropsychology of conduct disorder*. Development and Psychopathology, 5-52, 135
- Moustakas, C. (1994). *Phenomenological research methods*. Sage.
- O'Brien, P. (2001). *Making it in the free world: Women in transition from prison*. SUNY Press.

- O'Brien, P. (2007). Maximizing success for drug-affected women after release from prison: Examining access to and use of social services during reentry. *Women & Criminal Justice*, 17(2-3), 95-113.
- Owen, B., & Bloom, B. (1995). Profiling women prisoners: Findings from national surveys and a California sample. *The Prison Journal*, 75(2), 165-185.
- Simpson, S. S., Yahner, J. L., & Dugan, L. (2008). Understanding women's pathways to jail: Analysing the lives of incarcerated women. *Australian & New Zealand Journal of Criminology*, 41(1), 84-108.
- Silverman, D. (2013). *Doing qualitative research: A practical handbook*. SAGE Publications Limited.
- Van Maanen, J. (2011). *Tales of the field: On writing ethnography*. University of Chicago Press.

Archive